

## Quran and Hadith Studies

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, Research Article,

Vol. 15, No. 1, (Serial. 29), Autumn 2021 & Winter 2022

<https://qhs.journals.isu.ac.ir/>

<https://isu.ac.ir/>

# The Effect of "Homaid Ibn Ziyad" on the Transmission of the Hadith of the Kufi Narrators Relying on the Rijal of Najashi and the list of Tusi

DOI: 10.30497/qhs.2021.239024.3048

Azam Farjami\*

Khadijeh Mahdian Mehr \*\*

Zahra Rahmati \*\*\*

Received: 10/02/2021

Accepted: 26/06/2021

### Abstract

"Homaid Ibn Ziyad" is one of the famous Waqefi narrators of Kufi in the third century. His remarkable presence in the documents of narrations of hadith societies and early Rejal sources, benefiting from famous Waqfi and Imami masters, listening to famous narrators such as Koleini and Abu Ghalib Zorari from Homaid, shows his undeniable influence on Shiite narrations and narrations. . In this research, the role of Homaid in the sources of the early Shiite rijali was emphasized by emphasizing the Tusi and Rijal Najashi lists. Among Homaid's books, there are two books by Rijali that have been made available to Najashi and Tusi; Because in the report of the hadith writings of the narrators, who have often been Kufis and all the Sadeh (AS), they give way to Homaid in a total of 250 times. These narrators were studied under three categories. The first group is the ancient narrators of Kufi, whose narrations are often narrated by Homaid through three intermediaries or more, and although their number is limited; But it shows Homaid's access to ancient hadith sources and its transmission to the fourth and fifth century narrators. The second group are the narrators narrated by Homaid through his teachers, and the most famous of them is Obais ibn Hisham. In the third category are Homaid's direct teachers, who according to studies, are undoubtedly Muhammad ibn Hassan ibn Samaa Waqfi, Homaid's most influential teacher. Considering all three categories and the number of Waqfi professors, it can be said that the influence of Homaid's religion on his movables is obvious. By comparing the documents of Tusi and Al-Rijal Najashi with the focus on Homaid's isnads, it can be said that Najashi's isnads mention Homaid's documents more completely and accurately than Tusi. It seems that Tusi's summary of the documents in the list has caused the documents to fall into this category.

**Keywords:** *Homaid Ibn Ziyad, History of Hadith, Rijal Hadith, Rijal Najashi, Kufi narrators.*

---

\* Assistant Professor of Quran and Hadith, Department of Theology, Faculty of Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author) [azamfarjami@yahoo.com](mailto:azamfarjami@yahoo.com)

\*\* PhD student in Quran and Hadith, Ilam University, Ilam, Iran.

[kh.mahdianmehr@gmail.com](mailto:kh.mahdianmehr@gmail.com)

\*\*\* PhD student in Quran and Hadith, Ilam University, Ilam, Iran.

[saleh.aghaei48@yahoo.com](mailto:saleh.aghaei48@yahoo.com)



دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال پانزدهم، شماره اول، پیاپی ۲۹  
پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۰۷-۱۳۶  
مقاله علمی - پژوهشی

## تأثیر «حمید بن زیاد» بر انتقال حدیث راویان کوفی

با تکیه بر الرجال نجاشی و الفهرست طوسی

DOI: 10.30497/qhs.2021.239024.3048

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۰۵  
مقاله برای اصلاح به مدت ۲۳ روز نزد نویسندگان بوده است.

اعظم فرجامی\*  
خدیجه مهدیان مهر\*\*  
زهرا رحمتی\*\*\*

### چکیده

شناسایی چهره‌های علمی مطرح اما مغفول در تاریخ حدیث و رجال برای آشنایی با مراحل و تطورات پشت سرگذاشته این علم ضروری است. «حمید بن زیاد» از محدثان و راویان واقفی مشهور کوفی، در قرن سوم است که در اسناد احادیث و طرق کتاب‌های کوفیان، نامش فراوان دیده می‌شود. اطلاعات زندگی‌نامه‌ای و نسب‌شناسی درباره حمید بسیار اندک است؛ اما به کمک برخی عبارات نجاشی و طوسی می‌توان گفت وی در اطراف کوفه زیسته و سپس مجاور مرقد امام حسین (علیه السلام) در کربلا شده است. محدثان صاحب‌نام همچون کلینی، ابن‌عقده و ابو غالب زراری از حمید سماع یا اجازه روایت داشتند. کلینی سبب رواج منقولات حدیثی حمید در کتب اربعه است. با تکیه بر الفهرست طوسی و الرجال نجاشی دریافتیم روی هم‌رفته بالغ بر ۲۵۰ بار با واسطه حمید به کتاب‌های محدثان کوفه طریق داده می‌شود. بررسی سندی و شخصیتی این تعداد در دسته‌بندی‌هایی سه‌گانه انجام گرفت. آنچه در میان اساتید حمید برجسته می‌نماید، حضور چشمگیر سران واقفه مانند محمد بن حسن بن سماعه است. با تطبیق اسناد الفهرست طوسی و الرجال نجاشی با محور قرار دادن طرق حمید، می‌توان گفت طرق نجاشی کامل‌تر و دقیق‌تر از طوسی، اسناد حمید را ذکر می‌کند. به نظر می‌رسد خلاصه کردن اسناد الفهرست توسط طوسی سبب افتادگی‌های سندی در این کتاب شده است.

### واژگان کلیدی

حمید بن زیاد، تاریخ حدیث، رجال حدیث، رجال نجاشی، محدثان کوفی.

\* استادیار علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات، دانشکده ادبیات، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول)

azamfarjami@yahoo.com

kh.mahdianmehr@gmail.com

saleh.aghaei48@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

\*\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

### طرح مسئله

تاریخ حدیث سرگذشت طولانی و پرماجرایی پشت سر گذاشته است تا به شکل کتاب‌های حدیثی جامع و مدون کنونی به دست ما برسد. یکی از بخش‌های تاریخ حدیث، تاریخ علم رجال و سرگذشت مردانی است که راوی یا نقل حدیث و ناقد و تراجم‌نگار بودند. اگر بخواهیم پرده‌ای از پوشیدگی‌های تاریخ علم رجال و وزنه‌های علمی بزرگ و ناشناسی که سبب انتقال احادیث نسل کهن به نسل‌های پسین شدند، برداریم باید مستقیم به کتاب‌های رجالی کهن مراجعه کنیم. یکی از این مردان محدث و راوی و ناقل احادیث نسل کهن شهر کوفه که نامش به دفعات در کتاب‌های رجالی و اسناد و طرق کتاب‌های محدثان تکرار می‌شود، حمید بن زیاد است.

حمید بن زیاد، یکی از مهمترین چهره‌های حدیثی، رجالی و نسخه‌شناس واقفی مذهب و زیسته در قرن سوم است. حمید بن زیاد صاحب دو کتاب رجالی بوده است که اکنون اثری از آن‌ها در دست نیست. در این پژوهش برای شناخت محتوا و چگونگی تنظیم این کتاب‌ها و نیز میزان تاثیر حمید بن زیاد در انتقال احادیث راویان صادقین (ع) و به ویژه محدثانی که در شهر کوفه زندگی می‌کردند، به طرق و اسناد حمید توجه می‌شود. این مقاله در پی آن است تا با تکیه بر دو کتاب رجالی متقدم شیعه، *الرجال نجاشی* و *الفهرست طوسی*، ابتدا شخصیت و زندگی علمی او بررسی و سپس نقش حمید در انتقال طرق احادیث و کتاب‌های راویان کهن کوفی، محدثان سده سوم کوفه و نیز محدثان واقفی را نشان دهد. پس از آن برای مقایسه و تطبیق بیشتر، کتاب‌های رجالی دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد تا تاثیر آراء و اطلاعات و کتاب‌های رجالی حمید بر کتب رجال امامیه روشن شود. سؤالات این مقاله به شرح زیر است:

۱. تحولات و تطورات مراحل زندگی و رشد علمی حمید بن زیاد کجا و چگونه بوده است؟
۲. جایگاه علمی و میزان استقبال از مجالس درس یا کتابها و نقلیات حمید بن زیاد نزد شیعیان، بخصوص امامیه، چگونه بوده است؟
۳. برجسته‌ترین اساتید باواسطه و بی‌واسطه حمید چه کسانی هستند؟
۴. باور به واقفیه، چه تاثیری بر منقولات حمید درباره انتخاب کتابها و احادیث دیگر واقفی مذهببان داشته است؟
۵. رجالیون متقدم همچون نجاشی و طوسی تا چه اندازه و چگونه از اطلاعات و کتاب‌های رجالی حمید تاثیر پذیرفته‌اند؟

### پیشینه تحقیق

حمید بن زیاد یکی از شاخص‌ترین راویان در انتقال حدیث شیعه به محدثان پس از خود است؛ با این حال تاکنون تحقیق مستقلی درباره‌ی او صورت نگرفته است و شرح حال و شخصیت علمی و رجالی او مغفول مانده است. یافته‌های به دست آمده از پیشینه پژوهشی با موضوع «حمید» تنها به مطالبی پراکنده و اندک درباره‌ی شخصیت رجالی او در برخی مقالات و پایان‌نامه‌ها محدود می‌شود. برای مثال در مقاله «مدرسه کربلا، از آغاز تا آل بویه» (بی‌نام، مجله حوزه، ۱۳۷۴، صص ۱۴۳-۱۷۴) به نقش حمید در تأسیس مدرسه‌ی کربلا و معرفی برخی از اساتید و شاگردان او به طور مختصر پرداخته می‌شود. در دو پایان‌نامه «راویان واقفی مذهب در کتب اربعه و اعتبار روایات آن‌ها» (نجفی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲) و «تحلیل و تطبیق روایات مهدویت در فرقه‌های زیدیه، واقفیه و فطحیه» (بلبلی، ۱۳۹۸، ص ۶۷) در خلال معرفی راویان واقفی، تنها به شخصیت رجالی حمید به طور مختصر اشاره شده است؛ اما در این مقاله شرح حال و آثار و منقولات حمید در ابعاد مختلف با دقت و تفصیل بیشتر مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

### ۱. شرح حال و وضعیت رجالی حمید بن زیاد

ابوالقاسم، حمید بن زیاد بن حماد بن حماد بن زیاد هوار الدهقان طبق دیدگاه رجال‌شناسان امامی، ثقه، عالم، جلیل و واسع العلم ارزیابی شده است (ابوغالب زراری، ۱۳۹۹ق، ص ۴۰؛ نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۲؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۱۴؛ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۲۱). نجاشی (۴۵۰ ق) و ابوغالب زراری (۳۶۸ ق) که شاگرد حمید بوده، با صراحت به فساد مذهب حمید نیز اشاره دارند و او را واقفی و از بزرگان و چهره‌های سرشناس واقفه می‌خوانند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۲؛ ابوغالب زراری، ۱۳۹۹ق، ص ۴۰). ویژگی اصلی حمید، سماع کتب (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۲) و نقل بیشتر اصول محدثان قدیم کوفه (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۱۴) است. افزون بر نقل و سماع اصول کهن شیعی، وی خود صاحب کتاب‌ها و مصنفات زیادی است؛ چنانکه طوسی تعداد آن‌ها را به تعداد اصول می‌داند (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۱۴). البته این احتمال را می‌توان قوی دانست که کتاب‌های حمید که طوسی آن‌ها را به تعداد اصول می‌داند، به گمان اصول اربعمائه شیعه مراد است، در واقع بازنویسی یا رونویسی از نسخ اصول اولیه بوده است. قرینه شاهد این ادعا سخن ابوغالب زراری است که مدتی شاگرد حمید بوده و در کتاب خود تصریح می‌کند کتاب «حریز بن عبدالله سجستانی» را به خط حمید بن زیاد و سماع از وی، در اختیار دارد (ابوغالب زراری، ۱۳۹۹ق، ص ۶۴ و نیز برای کتاب مشابه فرد دیگر نک: ابوغالب زراری، ۱۳۹۹ق، ص ۹۳).

جای شگفتی است که درباره قبیله و قوم حمید اطلاعات زیادی ارائه نشده است؛ با آنکه نجاشی تا چهار نسل از پدران حمید نام می‌برد، اما به قبیله و تیره‌ای که حمید به آن تعلق داشته، اشاره نمی‌کند. تنها اطلاعات جانبی به نسبت «الدهقان» باز می‌گردد.

## ۲. محل زندگی حمید

نجاشی، حمید را فردی کوفی می‌داند که ساکن «سورا» شده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۲). در عبارت نجاشی درباره سورا ابهام وجود دارد. ارزیابی‌های ما نشان داد سورا می‌تواند بر دو محل در عراق اطلاق شود.

نخست سورا یا «بین السورین» نام محله‌ای بزرگ، آباد و شیعه‌نشین در کرخ بغداد بوده (یاقوت حموی، بی تا، ج ۱، ص ۵۳۴؛ ج ۲، ص ۴۹۷ به بعد) که محل دفن و مقابر قریش از جمله امام موسی کاظم (ع) محسوب می‌شده و به «مشهد باب التَّین» مشهور بوده و با دیوارهایی (سور) نیز محصور شده است (یاقوت حموی، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۶). در تاریخ آمده این مشهد، چنان آباد و پررونق بوده که نقیب و متولی دانشمند و مخصوصی از فرزندان علی (ع) داشته است (سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۱۸). گزارش‌هایی نشان می‌دهند در نزدیکی همان سور، «قبر الذور» متعلق به یکی از نوادگان امام سجاد (ع) قرار داشته که هر کس آن را زیارت و نذر می‌کرده، حاجت می‌گرفته است (یاقوت حموی، بی تا، ج ۴، ص ۳۰۵).

دوم منطقه دیگری که می‌تواند مراد نجاشی باشد، در نزدیکی کوفه قرار دارد که چون یکی از شاخه‌های بزرگ رودخانه فرات، به نام نهر سورا از آنجا می‌گذرد، دارای آبادی‌ها و روستاهای سرسبز و پر باغ است (اصطخری، ۱۴۲۵، ص ۸۵؛ یاقوت حموی، بی تا، ج ۵، ص ۳۲۳). برخی از فرزندان و برادران امام کاظم (ع) نیز در منطقه سورا مدفون بودند (انصاری، ۱۳۹۰ق، ص ۱۵۷؛ بحرالعلوم، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۱۹۲ پاورقی). به نظر می‌رسد مدفن این امامزادگان پر رفت و آمد و مهم بوده؛ به گونه‌ای که برخی از سادات علوی، به طور موروثی نقابت امامزادگان سورا را به عهده داشتند (مروزی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲۲). ادامه وصف شرح حال حمید بیشتر به محل سکونت او و اینکه سورا در کدام منطقه واقع بوده است، کمک می‌کند.

نجاشی در ادامه توصیف محل زندگی حمید اشاره می‌کند که حمید از سورا به منطقه دیگری جابجا شده است: «انتقل إلى نینوی قرية علی العلقمی إلى جنب الحائر علی صاحبہ السلام» (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۲)، طوسی نیز با عباراتی مشابه ذکر می‌کند: «من أهل نینوی، قرية إلى جانب الحائر علی ساکنه السلام» (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۱۴؛ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۲۱). نینوی در عراق به دو منطقه اطلاق می‌شود؛ یکی شهری باستانی و بزرگ واقع در شرق موصل و دیگری



روستایی نزدیک کوفه که در آبادی مجاور آن، کربلا، حسین بن علی (ع) کشته شد (نمیری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۹۶؛ یاقوت حموی، بی تا، ج ۵، ص ۳۳۹؛ حمیری، ۱۴۰۰، ص ۵۸۵).  
از سوی دیگر، «الحائر» را اسم موضع قبر امام حسین (ع) خواندند (یاقوت حموی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۸) که نجاشی و طوسی بر ساکن و صاحب آن درود فرستادند. برخی مورخان نیز کربلاء و مشهد قبر حسین (ع) را از نواحی وابسته به سورا دانستند (حمیری، ۱۴۰۰، ص ۳۳۲) که در این صورت احتمال دوم، یعنی سورا به عنوان منطقه نزدیک کوفه بر بین السورین بغداد، ارجح است. از این رو احتمالاً حمید متولد کوفه بوده که مدتی بعد ساکن روستاها و آبادی‌های اطراف کوفه مانند سورا و مجاور مشهد و مزار فرزندان امام کاظم (ع) شده، سپس به روستای نینوا و مجاور قبر حسین (ع) جابجا شده است.

## ۱-۲. انگیزه‌های تغییر محل زندگی

به طور کلی سه عامل را برای تغییر محل زندگی و جابجایی‌های حمید می‌توان در نظر گرفت که یکی از این سه عامل یا هر سه با هم، باعث هجرت حمید از کوفه به سورا و سپس به نینوا شده است.

### ۱-۱-۲. انگیزه مذهبی

به نظر می‌رسد چه حمید بن زیاد در «بین السورین» بغداد و مدفن امام کاظم (ع) و چه در «سورا»ی نزدیک کوفه و مدفن فرزندان امام کاظم (ع) ساکن شده، بنا بر اعتقاد خاص واقفیان چنین عمل کرده است. زیرا واقفیان بر امامت امام موسی بن جعفر کاظم (ع) توقف کردند و امامت علی بن موسی الرضا (ع) را نپذیرفتند؛ از این رو احترام خاصی برای این امام آخر قائل بودند. بر همین اساس احتمالاً حمید بن زیاد به سبب انگیزه‌های مذهبی واقفیه مدتی مجاور مضاجع شریف، زندگی کرده است.

### ۲-۱-۲. انگیزه علمی

احتمال دیگر آن است که حمید بنا بر انگیزه‌های اخذ حدیث و کسب علم بیشتر، ساکن سورا شده است؛ زیرا برخی از نقیبان بین السورین بغداد (کاظمین)، نسب‌شناس و محدث هم بوده‌اند و در قرن پنجم می‌زیستند (سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۱۸). با توجه به شخصیت حدیثی حمید، ارتباط او با بسیاری از محدثان هم عصر خود و دسترسی به کتب و اصول حدیثی، می‌توان گفت انگیزه‌های علمی در سفرهای او نقش مهمی داشته‌اند.

### ۲-۱-۳. انگیزه شغلی

چون لقب و نسبت الدهقان را برای حمید ثبت کردند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۲)، احتمال دارد حمید به سبب اشتغال خانوادگی یا شخصی که همان کشاورزی و دهخدایی باشد، راهی روستاها و آبادی‌های اطراف کوفه شده است. زیرا برای روستاهای سورا و نیز نینوا، سرسبزی و باغداری را به جهت جریان شعبه‌ای از رود فرات در مجاورت آنجا، توصیف کردند. گفتنی است در زبان عربی «دهقان» را «رئیس القریة و مقدم أصحاب الزراعة» ذکر کردند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۵۱) که معمولا این اصطلاح در مناطق خراسان و عراق رایج بوده (سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۴۲۳) و حمید نیز متعلق به کوفه و عراق است.

### ۳. کتاب‌های حمید بن زیاد

همانطور که اشاره شد، حمید به کثیر التصانیف معروف است. نجاشی اسامی برخی کتاب‌های وی را ذکر کرده که شامل یازده عنوان کتاب می‌شود (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۲). موضوع کتاب‌های او را می‌توان در پنج دسته فقه، رجال، مستحبات، اعتقادات و نوادر گنجانده که جدول زیر نام و تعداد آنها را نشان می‌دهد:

موضوع کتاب	فقه	رجال	مستحبات	عقاید	نوادر
نام کتاب	الخمس الفرائض الجامع فی انواع الشرائع	الرجال من روی عن الصادق (ع)	الدعاء فضل العلم و العلماء الثلاث و الاربع	ذم من خالف الحق و أهله الدلائل	نوادر کبیر
تعداد	۳	۲	۳	۲	۱

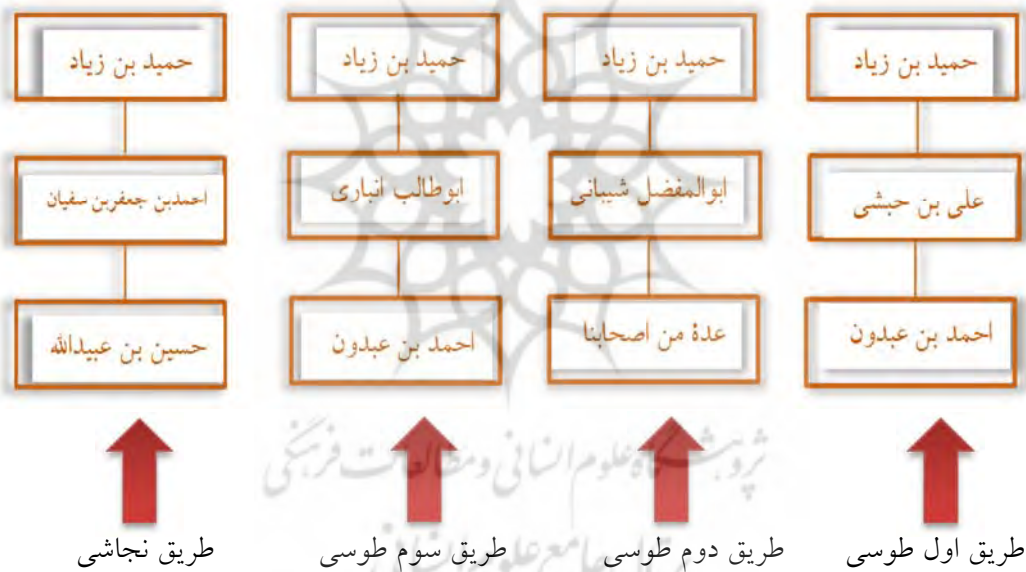
قابل ذکر است که رجال‌شناسان دیگر از کتاب «جزء فی الحدیث» نیز در شمار مکتوبات حمید نام برده‌اند (ابوغالب زراری، ۱۳۹۹ق، ص ۸۲). آقا بزرگ تهرانی نیز از کتاب دیگری از حمید با نام «الفهرست» یاد می‌کند که نجاشی در گزارش کتب بعضی از راویان به آن استناد کرده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۹)؛ با این حال در نسخه فعلی ما، نجاشی در *الرجال* کتابی با این عنوان را در فهرست کتب حمید برنشموده است.

در منابع حدیثی و رجالی، راوی و سال سماع برخی کتاب‌های حمید معرفی شدند؛ برای نمونه علی بن حاتم تصریح کرده که به سال ۳۰۶ قمری کتاب *الرجال* را به شیوه «قرائت» از

حمید شنیده (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۲) یا آنکه شیبانی اجازه نقل همه کتاب‌های حمید را در سال ۳۱۰ (سال وفات حمید) از وی گرفته است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۲).

#### ۴. طرق طوسی و نجاشی به حمید بن زیاد

با توجه به کثرت روایات و کتب حمید بن زیاد در منابع امامیه، بررسی طرق دسترسی امامیه به روایات و تألیفات او، باعث شناسایی راه‌های ورود این روایات در منابع حدیثی امامیه شده و می‌تواند در سنجش اعتبار روایات او مؤثر باشد. در بین اصول پنجگانه رجال امامیه، نجاشی، یک طریق و طوسی سه طریق را در الفهرست به او معرفی می‌کنند که در نمودارهای زیر قابل مشاهده است.



با تتبع در آراء رجالیون درباره‌ی طرق طوسی به حمید بن زیاد، اختلافاتی در صحت یا ضعف این طرق مشاهده می‌شود. محقق اردبیلی بدون اشاره به تعداد طرق طوسی، صحت آن‌ها را می‌پذیرد (محقق اردبیلی، بی‌تا، ص ۲۸۵). خوبی همه‌ی این طرق را ضعیف می‌داند اما طرق طوسی به حمید را در مشیخه تهذیبین، که کلینی در آن وجود دارد، صحیح می‌شمرد (خوبی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۰۲). درباره این طریق خاص که در کتاب‌های حدیثی و نه رجالی، کاربرد دارد، به تفصیل سخن خواهیم گفت.



## ۵. نقل بزرگان از حمید

بررسی اسناد حمید نشان می‌دهد که «احمد بن جعفر بن سفیان» و «علی بن حبشی بن قونی» بیشترین فراوانی را در میان شاگردان او دارند. با این وجود شاگردان مطرح و بزرگی در شمار ناقلان حمید دیده می‌شوند که نشان از رونق مجالس حدیث حمید دارد. شاید بتوان گفت اهمیت مجالس و نقلیات حمید، به عطف و پیوند نسل‌های مختلف محدثان کوفی و شاهراه اتصال به اصول اولیه شیعی باز گردد. لازم است شرح مختصری از شاگردان مطرح حمید و نقش اساسی آنان در انتقال روایات او و سایر مکتوبات حدیثی آورده شود.

### ۱-۵. کلینی (۳۲۹ ق)

در اسناد مشیخه کتاب‌های التهذیب و الاستبصار طوسی، چندین سند متفاوت با نقل کلینی، به حمید می‌رسد (طوسی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۰، شرح مشیخه ۳۸؛ طوسی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۳۰۵ و ۳۱۳) که میان این دو هیچ راوی دیگری وجود ندارد. به عبارت دیگر گویی کلینی شاگرد و مستمع حدیث از حمید بوده است. جستجو در اسناد الکافی نشان می‌دهد نام حمید بن زیاد در ابتدای بیش از ۲۴۰ سند قرار دارد (برای نمونه نک: کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۴، ۷۵، ۹۳ و...) که می‌تواند حاکی از شاگردی و سماع کلینی از حمید باشد. گرچه سال وفات کلینی (۳۲۹ ق) و حمید (۳۱۰ ق) نزدیک به هم و برای رابطه استاد و شاگرد، قابل قبول به نظر می‌رسد، اما احتمال مکاتبه یا اجازه‌ای بودن طریق دسترسی کلینی به دفاتر و احادیث حمید را نمی‌توان از نظر دور داشت؛ زیرا ما به رغم جستجوی گسترده و وسیع هیچ گزارش و سند تاریخی برای حضور کلینی در کوفه و سماع از حمید نیافتیم.

احتمال نقل با واسطه‌ی کلینی از حمید از آنرو قوی‌تر می‌شود که طبق یک سند، ابوالفضل شیبانی تصریح می‌کند حمید با خط خود برای نقل برخی احادیث در سال ۳۰۹ قمری به ما اجازه داد (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۱۷). از این رو می‌توان نقل از کتاب‌ها و دفاتر حدیثی حمید به روش اجازه را امری رایج در ابتدای قرن چهارم دانست. در این صورت کلینی با کمک طرق تحمل غیرحضورى مانند مکاتبه یا اجازه بهره برده و از مراجعه حضوری و سماع از حمید استفاده نکرده است. قرینه و شاهد مؤید دیگر، توجه به محل سکونت بقیه اساتید کوفی کلینی مانند احمد بن محمد عاصمی، ابن عقده و... است که معمولاً در بغداد ساکن شده یا از کوفه به بغداد رفت و آمد داشتند (نک: حمادی و طباطبایی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲). بنابراین احتمال سفر کلینی به کوفه بسیار اندک به نظر می‌رسد؛ مگر اینکه با یافتن شواهد تاریخی جدید از سفر حمید به بغداد پرده برداریم.



در هر صورت چه کلینی، حمید را ملاقات کرده و روایات و دفاتر حدیثی او را مستقیم شنیده و چه با واسطه و به صورت وجاده آن‌ها را دریافت کرده باشد، او را باید اصلی‌ترین راه انتقال اسناد و روایات حمید در مجامع حدیثی امامیه، به ویژه کتب اربعه، بدانیم. صدوق تنها به دو روایت حمید و آن هم با واسطه محمد بن یعقوب کلینی به او، اشاره دارد (صدوق، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص ۲۳۱، ۲۳۶). طوسی نیز به رغم داشتن طریق‌های مجزا و متفاوتی که در الفهرست به کتب حمید ارائه می‌دهد، در تهذیبین عملاً با واسطه کلینی به احادیث حمید اسناد می‌دهد و نسبت به صدوق، تعداد بیشتری از روایات محمد بن یعقوب کلینی از حمید را می‌آورد (برای نمونه نک: طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۸۵، ۳۲۳، ۳۲۴...؛ طوسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۱۴، ۲۱۵، ۴۶۹...).

در ۲۴۰ سند الکافی از حمید بن زیاد، الگوی مشخصی را می‌توان دید؛ زیرا در همه این اسناد، به جز موارد انگشت‌شمار (برای نمونه نک: کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۸۷، ۱۱۴؛ ج ۸، ص ۱۱۰، ۲۶۲ و...)، حمید از حسن بن محمد بن سماعه با اسامی و القاب متفاوت نقل می‌کند که نشان از تاثیر بزرگ ابن سماعه بر مسموعات حدیثی حمید دارد.

### ۲-۵. ابوغالب زراری (۳۶۸ ق)

اسنادی که ابوغالب زراری از نقل و اتصال به حمید ارائه می‌دهد، گویای آن است که وی سماع مستقیم از حمید داشته و حتی برخی کتاب‌های راویان کهن کوفی را با خط و دست‌نوشته حمید در اختیار داشته است (ابوغالب زراری، ۱۳۹۹ ق، ص ۶۴ و ۹۳). گرچه تفاوت زیاد میان سال وفات این دو و فاصله سال‌های ۳۱۰ و ۳۶۸ قمری، این احتمال قوی را مطرح می‌کند که ابوغالب در سال‌های آغاز جوانی از حمید سماع داشته؛ زیرا به طور معمول فاصله عادی سال وفات استاد و شاگرد، سی سال است. در مجموع ابوغالب، ۱۷ مورد از مکتوبات حدیثی راویان کهن کوفی را از طریق حمید گزارش می‌کند (برای نمونه نک: ابوغالب زراری، ۱۳۹۹ ق، ص ۵۵، ۶۵، ۷۲، ۷۵، ۸۰ و...).

### ۳-۵. ابن عقده (۳۳۳ ق)

گزارش‌های نجاشی و طوسی از ابن عقده نشان می‌دهد که او بی‌واسطه از حمید استماع کرده است. نجاشی در ۸ سند و طوسی نیز در الفهرست دو سند را از طریق ابن عقده به حمید سند می‌دهند (برای نمونه نک: نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۴۵۳، ۴۵۵، ۱۷۲ و...؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۳۲ و ۱۶۱).

با توجه به هم‌عصر بودن ابن عقده و حمید و همچنین مذاقه در اسناد منقولات ابن عقده، سماع مستقیم او از حمید در اسناد متفاوت دیده می‌شود. برای نمونه نعمانی در *الغیبه* ۱۳۸ روایت از استاد خود ابن عقده نقل می‌کند که در ۸ مورد آن، ابن عقده بی‌واسطه از حمید روایت می‌کند (برای نمونه نک: نعمانی، ۱۴۲۲، ص ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۸۴، ۲۰۳، ۲۴۷ و ...).

اسناد نعمانی نشان می‌دهد که گاه ابن عقده برای نوع طریق تحمل خود از حمید؛ عبارت «حدثنا حمید بن زیاد من کتابه و قراءته علیه» را استفاده می‌کند (نعمانی، ۱۴۲۲، ص ۱۰۰ و ۱۸۴) که نشان می‌دهد او در مجلس درس حمید حضور داشته و رابطه‌ی استاد و شاگردی بین آن دو برقرار بوده است.

جای شگفتی است که با در نظر گرفتن کثرت روایات حمید و رابطه‌ی استاد و شاگردی بین او و ابن عقده، حضور حمید در منقولات ابن عقده کمرنگ به نظر می‌سد. در توجیه این امر، احتمالاتی را می‌توان مطرح کرد. از جمله تعصبات مذهبی (زیرا ابن عقده زیدی و حمید واقفی است)، درک و ملاقات دیرهنگام استاد و شاگرد و یا دسترسی محدود ابن عقده به مجالس درس حمید را می‌توان از علت‌های کم بودن نقل ابن عقده از حمید در اسناد و کتاب‌های موجود دانست.

#### ۵-۴. محمد بن همام اسکافی (۳۳۶ ق)

در ابتدای یکی از اسناد اصول شانزده‌گانه باقیمانده از اصول اربعمائه، ابوعلی محمد بن همام بن سهیل کاتب تصریح می‌کند که به سال ۳۰۹ قمری از حمید سماع داشته است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۳، ص ۲۱). از ابوعلی اسکافی، کتاب *التمحیص* موجود است؛ اما نقل‌های وی از حمید در کتاب‌های دیگر به فراوانی دیده می‌شود. در میان شانزده اصلی که امروز از اصول چهارصدگانه اصحاب ائمه باقی مانده است، پنج اصل به واسطه محمد بن همام از حمید بن زیاد دهقان نقل می‌شود (نک: جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۳، ص ۲، ۲۱، ۶۰، ۸۳، ۹۴). نعمانی نیز در *الغیبه*، روایات فراوانی را با سند محمد بن همام از حمید شروع می‌کند که در همه‌ی آنها جز یک مورد، حمید از استاد واقفی خود، حسن بن محمد بن سماعه نقل می‌کند (برای نمونه نک: نعمانی، ۱۴۲۲، ص ۳۱، ۱۵۶، ۱۵۹، ۲۱۱، ۲۵۰، ۲۸۵ و ...).

#### ۶. کتاب‌های رجالی حمید

دو کتاب رجالی حمید که یکی به صورت خاص به راویان امام صادق (ع) پرداخته و دیگری *الرجال* عام بوده است، هیچ کدام به دست ما نرسیده و اکنون موجود نیست؛ اما قطعا بر کتاب‌های



رجالی موجود تاثیرگذار بوده است. این ادعا از آن روی مطرح می‌شود که برخی عبارات نجاشی نشان می‌دهد وی کتاب رجالی حمید را در اختیار داشته و گاه از روی آن نقل کرده است؛ برای نمونه در شرح حال عبیدالله بن احمد بن نهیک از کتاب حمید نقل می‌کند: «و قال حمید بن زیاد فی فهرسته: سمعت من عبیدالله کتاب المناسک...» (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۳۲ و ۲۵۷). به نظر می‌رسد منظور نجاشی از فهرست حمید، کتاب الرجال باشد؛ زیرا کتاب من روی عن الصادق باید شامل اسامی و کتاب‌های راویان از امام صادق (ع) باشد و عبیدالله بن احمد بن نهیک قطعاً از عصر امام صادق (ع) فاصله زیادی دارد؛ بنابراین فهرست حمید کتابی حاوی اسامی و اطلاعاتی درباره اساتید وی نیز بوده است.

#### ۷. تأثیر حمید بر الرجال نجاشی و الفهرست طوسی

در دو کتاب رجالی مهم امامی، الرجال نجاشی و الفهرست طوسی، بالغ بر ۲۵۰ بار نام حمید در طرق و اسناد نجاشی و طوسی آمده است. برای نشان دادن تأثیر کتاب‌ها و آراء رجالی حمید و نیز نقش کلیدی وی در انتقال احادیث و اصول محدثان کهن کوفی دامنه مطالعات را به صورت جزئی روی الرجال نجاشی و الفهرست طوسی متمرکز می‌کنیم. در هر دو کتاب الرجال نجاشی و الفهرست طوسی با سه دسته راوی صاحب کتاب روبرو هستیم که حمید بن زیاد کتاب‌ها و دفاتر آنها را منتقل کرده است.

#### ۷-۱. راویان کهن کوفی از صادقین (ع)

این افراد معمولاً با سه واسطه یا بیشتر، کتاب‌هایشان به دست حمید رسیده است. تعداد این افراد زیاد نیست اما نشان‌دهنده دسترسی حمید به منابع کهن حدیثی و همچنین دقت نجاشی در گزارش اسناد حمید است.

#### ۷-۱-۱. راویان کهن در الرجال نجاشی

تعداد ۹ راوی در کتاب نجاشی چنین وضعیتی دارند. برخی از این راویان با واسطه فرزندان و عموزادگان و به عبارت کلی‌تر قبیله‌ای و خانوادگی، کتاب‌های حدیثی ناقل از امام صادق (ع) را به نسل‌های بعد و محدثان کوفه رسانده‌اند مانند «اسماعیل بن عمر بن ابان کلبی» که روایات امام صادق (ع) را از پدرش گرفته و با دو واسطه به حمید رسانده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۸). نکته قابل توجه دیگر حضور برخی از اصحاب خاص صادقین (ع) مانند محمد بن مسلم و

راویان واقفی در شمار این گروه است. نام و مذهب همهی افراد این دسته در جدول زیر ذکر شده است.

جدول ۱: راویان کهن در الرجال نجاشی

ردیف	نام راوی	مذهب	ردیف	نام راوی	مذهب
۱	اسماعیل بن عمر بن ابان الکلبی	واقفی	۶	درست بن ابی منصور	واقفی
۲	عمر بن یزید	امامی	۷	محمد بن علی بن ابی شعبه	امامی
۳	یزید بن خلیفه حارثی	واقفی	۸	محمد بن مسلم	امامی
۴	طلحه بن زید	عامی	۹	عقبه بن محرز	امامی
۵	زیاد بن ابی غیاث	امامی			

### ۲-۱-۲. راویان کهن در الفهرست طوسی

طوسی تنها دو راوی را با این شرایط گزارش می‌کند. یکی «عمرو بن منهال» که طوسی بدون اشاره به شخصیت رجالی او، تنها از کتابش نام می‌برد. عمرو دو پسر به نام‌های احمد و حسن دارد که حمید به واسطه استادش احمد بن میثم از آنان حدیث گرفته است (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۶، ۱۰۲ و ۸۴). دیگری نیز «زیاد بن ابی غیاث» است که در شمار راویان نجاشی نیز آمده است.

با مقایسه این دسته از راویان در این دو کتاب، می‌توان گفت نجاشی در گزارش اسناد خود از حمید، دقیق‌تر و کامل‌تر عمل کرده است. برای مثال در الرجال نجاشی، کتاب «طلحه بن زید» با چهار واسطه که غالباً واقفی‌اند به حمید رسیده اما در کتاب طوسی حمید تنها با واسطه‌ی استاد حمید، یعنی قاسم بن اسماعیل کتاب او را گزارش می‌کند. سایر راویان کهن نیز در کتاب طوسی چنین وضعیتی دارند. نکته‌ی جالب توجه درباره‌ی این دسته از راویان این است که نجاشی می‌گوید کتاب «محمد بن مسلم» از اصحاب خاص صادقین (ع) با سه واسطه به حمید رسیده است در حالی که در الفهرست، هیچ واسطه‌ای بین حمید و محمد بن مسلم ذکر نشده است. با توجه به اینکه «محمد بن مسلم» در سال ۱۵۰ فوت می‌کند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲۴)، قطعاً حمید نمی‌توانسته از او کتاب را مستقیم گرفته باشد. به نظر می‌رسد طوسی یا مستنسخان پس از وی، با خلاصه کردن اسناد الفهرست، موجب افتادگی‌های سندی فراوان در طرق این کتاب شده‌اند.



## ۲-۷. اساتید باواسطه حمید

یک نسل پس از شکل‌گیری دفاتر اولیه حدیث شیعه در عصر صادقین (ع)، محدثان و راویانی ناقد و اهل فهم حدیث به عرصه رسیدند که اصول اولیه را دسته‌بندی کردند و با نقل و استنساخ مکرر، آنها را رواج دادند. در این پژوهش به صورت قراردادی این نسل محدثان و راویان کوفی را که عموماً ابتدای قرن سوم زیستند، «اساتید باواسطه حمید» می‌خوانیم.

## ۲-۱. اساتید با واسطه در الرجال نجاشی

نجاشی هنگام طریق و اسناد دادن به راویان صاحب کتاب با واسطه حمید بن زیاد، به نام هفتاد نفر از اساتید باواسطه‌ی حمید اشاره می‌کند. در شمار این دسته حضور راویان واقفی مانند «علی بن حسن طاطری»، «عبدالله بن جبله» و «حسین بن هاشم» قابل توجه است و حمید بالغ بر ۲۴ بار از این افراد واقفی به کمک نقل از اساتیدش، یاد می‌کند (برای نمونه نک: نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۸۹، ۱۶۹، ۱۵۸، ۱۲۸، ۱۳۳، ۲۷۲، ۱۸۴، ۱۳۸ و ...).

از دیگر مشایخ تأثیرگذار این دسته می‌توان «علی بن حسن بن رباط» امامی را ذکر کرد که ۶ بار در طرق حمید تکرار می‌شود (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۰، ۲۵۱، ۴۰۹ و ...). نکته قابل توجه حضور برخی از اصحاب اجماع در این دسته است. حمید از طریق اساتید خود و تنها با یک واسطه، در هفت سند از «ابن ابی عمیر» و «صفوان بن یحیی» گزارش می‌کند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۴۶۲، ۲۳۰، ۱۳۰، ۱۴۰ و ...).

نکته مهم دیگر، شمار قابل توجهی نقل از یک محدث قرن سومی و تقریباً ناشناخته کوفی به نام «عبیس بن هشام» است که با یک واسطه معمولاً به محدثان قرن چهارمی مانند حمید متصل شده است. عبیس بیشترین آمار و بالاترین فراوانی را به جهت نقل از وی، در شمار اساتید باواسطه حمید داراست. نجاشی شانزده سند را از حمید با واسطه به او می‌رساند (برای نمونه نک: نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۴، ۵۳، ۱۳۳، ۱۵۳، ۱۸۱ و ...).

اسم عبیس بن هشام ناشری (د ۲۲۰ یا ۱۱۹ق) در اصل، عباس بن هشام بوده که به رسم عرب، مصغر شده و به عبیس تغییر یافته است. او را ثقه، جلیل و کثیرالروایه خوانده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۸۰). عبیس دارای چندین کتاب درباره فقه، مسأله غیبت و نیز مثالب برخی صحابه است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۸۰). طوسی در الفهرست بدون اشاره به مدح و ذم یا معرفی عبیس، تنها به کتاب نوادر او طریق می‌دهد (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۹۳) و در الرجال یکبار او را در شمار راویان امام رضا (ع) و بار دیگر در شمار کسانی که از ائمه (ع) روایت نکرده‌اند، نام می‌برد (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۶۲ و ۴۳۵). خویی تعداد روایات او را در کتاب‌های اربعه، بالغ بر ۶۱ مورد

می‌داند (خوبی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۶۷). عبیس در کتب اربعه غالباً با دو واسطه از امام صادق (ع) روایت می‌کند (برای نمونه نک: (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۴۹ و ۹۱؛ کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۱۱ و ۲۶۵؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۳۱۰، ج ۶، ص ۳۴۴).

به نظر می‌رسد دیدگاه دوم طوسی مبنی بر اینکه او مستقیم از ائمه (ع) روایت نکرده است، درست باشد؛ زیرا از طرفی با وجود هم‌عصر بودن با امام رضا (ع)، بر خلاف نظر طوسی هیچ روایتی از ایشان نقل نمی‌کند. بر این اساس و همچنین توجه به این نکته که حمید بیش از نقل از اساتید باواسطه‌ی واقفی مذهب خود، به نقل از عبیس استناد می‌کند، احتمال واقفی بودن عبیس را تقویت می‌کند.

### ۲-۲-۷. اساتید باواسطه حمید در الفهرست

طوسی ۱۷۳ نفر از اساتید باواسطه‌ی حمید را ضمن طریق دادن به راویان صاحب کتابی که حمید به آنها سند داده است، نام می‌برد. با این همه برخلاف نجاشی، نمی‌توان به لحاظ تساوی فراوانی این دسته از محدثان کوفی در اسناد حمید، افراد خاصی را برجسته کرد؛ زیرا با توجه به حجم راویان این دسته، تنها می‌توان گفت تعدد و تنوع طرق حمید به واسطه‌ی اساتیدش در الفهرست طوسی بیشتر از الرجال نجاشی است.

### ۳-۲-۷. اساتید بی‌واسطه حمید

آخرین دسته از راویان صاحب کتاب که در طرق حمید، مورد مطالعه قرار می‌گیرند. اساتید حمید بن زیاد دهقان هستند که او بی‌واسطه از آنان حدیث گرفته است و کتب خودشان یا سایر راویان را از طریق همین اساتید گزارش می‌کند. معمولاً این اساتید بی‌واسطه در نیمه دوم قرن سوم زیستند. در ادامه به مهمترین اساتید حمید اشاره و سپس به طور مجزا به تأثیر اساتید او در الفهرست و الرجال پرداخته می‌شود.

### ۱-۳-۷. مهمترین مشایخ حمید

حمید از محضر اساتید زیادی بهره برده است که در میان آنها چهره‌های سرشناس و تأثیرگذار حدیث شیعه حضور دارند. به دلیل حجم بالای اساتید حمید، تنها آن دسته از مشایخ که بیشترین تکرار را در اسناد او دارند، تشریح می‌شوند.



### ۷-۳-۱-۱. حسن بن محمد بن سماعه (۲۶۳ ق)

ابومحمد حسن بن محمد بن سماعه کندی صیرفی، از بزرگان متعصب واقفیه و معاند امامیه بوده است که نجاشی درباره وی تعبیر «کان یعانده فی الوقف و یتعصب» را ذکر کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۴۱؛ مامقانی، ۱۴۱۲، ج ۲۰، ص ۴۲۰). پس از آن نجاشی روایتی درباره‌ی حسن بن محمد بن سماعه آورده است که اعتقاد ابن سماعه درباره انکار علم غیب امام هادی (ع) و اتهام سحر به امام را نشان می‌دهد (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۴۱). با این همه رجال‌شناسان وی را در نقل حدیث ثقه دانسته‌اند و در کتب رجالی با توصیفات مانده کثیرالحدیث، جید التصانیف و نقی الفقه ستوده شده است. طوسی او را صاحب ۳۰ کتاب معرفی می‌کند (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۴۶). روایات و نقلیات حمید بن زیاد در کتاب‌های حدیثی و رجالی نشان داد ابن سماعه تأثیرگذارترین استاد بر حمید است. در کتب رجالی دو اسم با عنوان حسن بن محمد بن سماعه وجود دارد که یکی فرزند مهران و دیگری فرزند موسی است؛ اما حسن بن محمد بن سماعه مذکور در اینجا فرزند موسی و واقفی است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۱۸۲).

از چندین جهت می‌توان تأثیرگذاری حسن بن محمد بن سماعه را نشان داد؛ نخست آنکه بیشترین نقل طریق برای کتاب‌های راویان کهن کوفی توسط ابن‌سماعه برای حمید انجام شده است که نمودار «اساتید حمید در الرجال نجاشی و الفهرست طوسی» به خوبی این نکته را بازتاب می‌دهد. دوم آنکه معمولاً بیشترین روایت و حدیثی که از حمید نقل شده است؛ به خصوص در کتب اربعه که مهم‌ترین و معتبرترین منابع حدیثی امامیه محسوب می‌شوند، به نقل حمید از ابن‌سماعه بوده است (برای نمونه نک: طوسی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۲۴۴، ج ۲، ص ۱۴۳، ج ۳، ص ۱۰۵؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۳۲۴، ۳، ۶۰، ج ۴، ص ۴؛ کلینی، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۱۴۰، ص ۶۰۴، ص ۶۸۹؛ صدوق، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص ۲۳۱ و ۲۳۶).

دلیل سوم آن است که بی‌تردید در اقوال و دانسته‌های رجالی حمید، ابن‌سماعه تأثیر بسزایی داشته است؛ زیرا با آنکه حمید برخی کتاب‌های حدیثی کوفیان را از محدثان و اساتید دیگرش اخذ کرده، گاه اطلاعات رجالی راوی را با اقوالی منقول از ابن‌سماعه بازگو و تکمیل می‌کند. برای نمونه کتاب ابراهیم بن نصر بن قعقاع جعفی را با واسطه استاد دیگرش قاسم بن اسماعیل قرشی نقل می‌کند اما پس از آن می‌افزاید «قال ابن‌سماعه بجلی» (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۱).

### ۷-۳-۱-۲. ابومحمد قاسم بن اسماعیل قرشی

در میان رجالیون متقدم تنها طوسی در الرجال از او نام می‌برد و او را صاحب اصول زیاد و در شمار کسانی که از ائمه (ع) روایت نکردند، می‌آورد (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۳۶). با این حال در



الغیبه به صراحت او را از ممطوره (نام دیگر مذهب واقفیه) دانسته و روایاتی با زنجیره‌ی واقفی از او می‌آورد (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۶۹). اصلی‌ترین فردی که قاسم توسط او احادیث و دفاتر کهن کوفی را منتشر کرده، عیسی بن هشام است که پیش از این در شمار محدثان و اساتید غیرمستقیم حمید معرفی شد. فقط در الرجال نجاشی چهارده راوی یافت شدند که توسط عیسی به قاسم بن اسماعیل و از او به حمید منتقل شده‌است (برای نمونه نک: نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۵۶، ۲۴۹، ۴۵۵، ۱۸۰ و ...). به جز عیسی بن هشام، قاسم از محدثان مشهور دیگر شهر کوفه مانند صفوان بن یحیی، علی بن نعمان و جعفر بن بشیر چندین بار کتاب حدیثی دریافت کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۴۰، ۴۲۹، ۱۴۷ و ...).

### ۳-۱-۳-۷. ابوالحسن احمد بن میثم بن ابی نعیم فضل بن دکین

این استاد کوفی در حقیقت نوه فضل بن دکین (۱۳۰-۲۱۹ ق)، محدث مشهور اهل سنت است که درباره گرایش‌های شیعی فضل بن دکین اخبار زیادی نقل شده است (خطیب بغدادی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۳۴۶). رجال‌شناسان اهل سنت برخلاف توثیق و تمجیدهایی که برای فضل بن دکین ذکر کردند، نوه او یعنی احمد بن میثم را معمولاً تضعیف کرده و بیشتر به سبب «نقل مناکیر» یا «قلب در روایات» وی را ضعیف دانستند (ابن حجر، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۳۱۶). با این همه نجاشی و طوسی، احمد بن میثم را از ثقات و فقهای کوفی معرفی کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۶۵؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۷۰) و برخی کتاب‌های فقهی و اعتقادی وی را نام برده‌اند (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۷۰؛ ۱۴۱۵، ص ۴۰۸).

به نظر می‌رسد به رغم حضور فضل بن دکین در اسناد کتاب‌ها و روایات صحاح سته (بخاری، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۴۷؛ ابی داود، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۸۲؛ ابن ماجه، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۱۱؛ نسائی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۴۴ و ۲۵۲) تا جایی که او را استاد بخاری نام برده‌اند (ابن حجر، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۳۱۶)، نوهی او در اسناد و کتاب‌های شیعه به ویژه امامیه حضور پررنگ دارد و کتاب‌های زیادی از یاران امام صادق (ع) و یا محدثان نسل اساتید باواسطه کوفه را برای حمید نقل کرده است. شاید به سبب همین حضور زیاد احمد بن میثم در اسناد شیعی است که برخی تراجم‌نگاران متأخر اهل سنت، حتی پدربزرگ وی، فضل بن دکین، را امامی تلقی کردند (زرکلی، ۱۳۸۹ ق، ج ۵، ص ۱۴۸؛ کحاله، ۱۳۹۴ ق، ج ۸، ص ۶۷).



### ۷-۳-۱-۴. ابواسحاق ابراهیم بن سلیمان

ابواسحاق ابراهیم بن سلیمان بن عبدالله<sup>۱</sup> بن حیان<sup>۲</sup> خَزَّاز همدانی هلالی نهمی محدثی کوفی و خزفروش بوده که ابتدا در میان بنی نهم از قبیله همدان ساکن شده و سپس به دلیل سکونت در محله‌های بنی تمیم و بنی هلال به «تمیمی» و «هلالی» نیز مشهور شده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۸؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۸). نجاشی و طوسی هر دو، وی را در نقل حدیث توثیق می‌کنند، اما ابن غضائری ابراهیم بن سلیمان را به سبب نقل از ضعفا و فساد مذهب تضعیف می‌کند (ابن غضائری، ۱۴۲۲، ص ۴۱).

حمید، اصول روایی زیادی از راویان کهن را با واسطه ابراهیم بن سلیمان نقل می‌کند (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۸؛ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۰۸). ابراهیم بن سلیمان در اسناد کتاب‌های حدیثی شیعه نیز به ندرت حضور دارد؛ تا جایی که طوسی دو بار نام وی را در شمار کسانی که از ائمه روایت ندارند، ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۰۸ و ۴۱۴). با کنار هم قرار دادن نظرات رجالیون متقدم مانند ابن غضائری درباره‌ی ضعف و فساد مذهب ابواسحاق و نقل نکردن از ائمه امامیه که هم عصر او بودند؛ مانند امام جواد (۲۲۰ ق)، امام هادی (۲۵۳ ق) و امام حسن عسکری (۲۶۰ ق)، می‌توان احتمال واقفی بودن ابراهیم بن سلیمان را مطرح کرد. قرینه سوم برای واقفی بودن ابراهیم بن سلیمان، نقل فراوان حمید بن زیاد از اوست که در اسناد الرجال نجاشی و الفهرست طوسی فراوان دیده می‌شود.

### ۷-۳-۱-۵. ابوالعباس عبیدالله بن احمد بن نهیک

او شیخی صدوق و ثقة وصف شده که صاحب کتب و اصول فراوان بوده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۳۲؛ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۳۰). آل نهیک از خاندان سرشناس شیعه در کوفه بوده‌اند؛ اما عبیدالله بن احمد از کوفه به سمت مکه خارج شده است (نجاشی، همان). طوسی او را در شمار کسانی که از ائمه روایت نکرده، معرفی می‌کند، با این وجود در الفهرست برای او و کتبش جز ضمن اسناد و طرق کتاب‌های راویان، شرح حال جداگانه نمی‌آورد (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۳۰). دو اصل از میان شانزده باقیمانده اصول چهارصدگانه، با روایت حمید از عبیدالله بن احمد نقل شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۱). با توجه به اینکه در همه اسنادی که حمید به صورت گروهی از چند استاد به نفر بعد می‌رساند و ابن نهیک در آن‌ها قرار دارد، مانند

<sup>۱</sup>. در ضبط نجاشی و طوسی عبیدالله ذکر شده (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۸؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۸) اما ابن غضائری ضبط عبدالله را انتخاب کرده است، ابن غضائری، ۱۴۲۲، ص ۴۱.

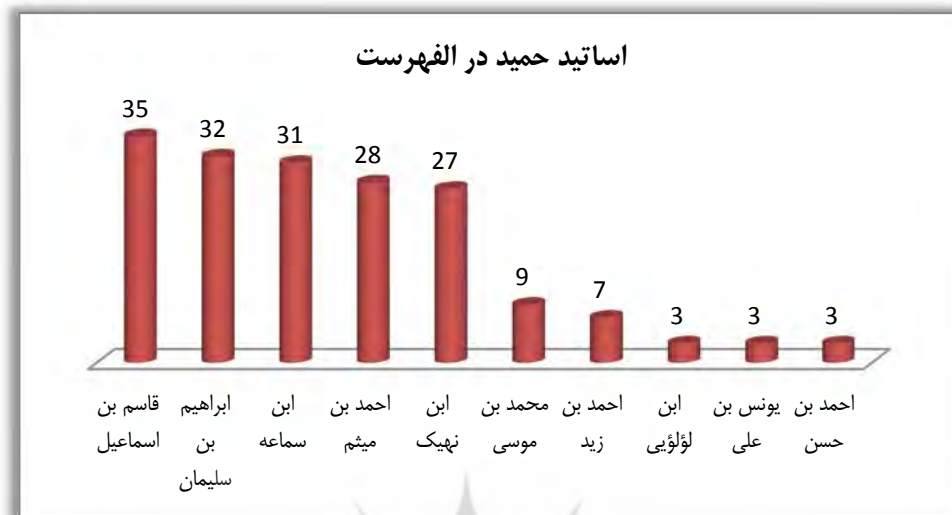
<sup>۲</sup>. نجاشی نام جد او را خالد ثبت کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۸).

احمد بن محمد بن زید و قاسم بن اسماعیل و محمد بن عبدالله بن غالب، همگی واقفی هستند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۸۰، ۱۵۸ و ...)، احتمال دارد این هم‌نشینی اتفاقی نبوده و ابن نهیک به مذهب واقفیه تمایل داشته است. قرینه دیگر برای باور واقفیه، روایت نکردن ابن نهیک از دو امام هم عصرش، امام هادی (۲۵۴ ق) و امام حسن عسگری (۲۶۰ ق)، است.

### ۲-۳-۷. جایگاه اساتید حمید در اسناد او

برای دقیق‌تر نشان دادن نقش اساتید حمید در مقولات او، فراوانی حضور این افراد در قالب نمودار و به تفکیک کتاب‌های الرجال نجاشی و الفهرست طوسی آورده می‌شود. در این بررسی، آن دسته از مشایخ حمید که بیش از دو بار در اسناد او تکرار شده‌اند، ذکر می‌شوند.





با توجه به اطلاعات نمودارها درباره اساتید حمید می‌توان گفت طریق‌های حمید در الرجال نجاشی با الفهرست طوسی تفاوت‌هایی دارد. تقریباً هر دو در ذکر مشایخ حمید، مشترک‌اند جز اینکه طوسی از برخی از مشایخ مشهور حمید مانند ابن غالب واقفی و قاسم بن محمد نام نمی‌برد. این در حالی است که ابن غالب از اساتید واقفی و پر تکرار حمید در الرجال نجاشی است. از طرفی، طوسی بیش از نجاشی به راویان امامی حمید طریق می‌دهد. با توجه به فراوانی حضور این مشایخ در اسناد حمید، باید گفت اساتید واقفی او در مقایسه با اساتید امامی نقش مؤثرتری در منقولات حمید دارند. هر چند این مشایخ در کتب رجال دارای وثاقت‌اند اما در مواردی نیز حمید از محدثان ضعیف نقل می‌کند. مانند «جعفر بن اسماعیل منقری» که ابن غضائری او را غالی و کذاب می‌خواند (ابن غضائری، ۱۴۲۲، ص ۴۷). ابراهیم بن سلیمان نیز چنین وضعیتی ضعیفی دارد (ابن غضائری، ۱۴۲۲، ص ۴۱).

#### ۸. مقایسه طرق الرجال نجاشی و الفهرست طوسی

نجاشی از ۱۶۰ و طوسی از ۱۹۹ راوی صاحب کتاب نام می‌برند که حمید در سند و طریق آن‌ها حضور دارد. از مقایسه و تطبیق این طرق و اسناد، یافته‌ها و نتایجی به دست می‌آید. این یافته‌ها را می‌توان در چندین گروه دسته‌بندی کرد؛ نخست راویان مشترک دو کتاب که با استاد مشترک از حمید سند داده شدند، دوم راویان مشترک که با دو استاد متفاوت از حمید سند داده شدند و گروه سوم راویان انحصاری و متفاوت هر کتاب که دیگری به آن اشاره نکرده است.

### ۸-۱. راویان مشترک با استاد یکسان

تعداد ۴۴ راوی چنین وضعیتی دارند؛ یعنی نام راوی صاحب کتاب میان الرجال نجاشی و الفهرست طوسی مشترک است و هر دو رجالی نیز با طریق حمید به این راوی و کتابش اشاره کردند. از سوی دیگر در طریق حمید نیز از یک استاد مشترک نام برده شده است. برای نمونه کتاب حسان بن مهران در هر دو کتاب، به نقل حمید از قاسم بن اسماعیل نقل شده است (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۶۴؛ نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۴۷).

### ۸-۲. راویان مشترک با اساتید متفاوت

در هر دو کتاب ۲۶ راوی مشترک وجود دارد اما در اسناد آنها طرق حمید به مشایخش متفاوت است. برای نمونه در الفهرست، کتاب محمد بن مثنی از طریق احمد بن میثم به حمید رسیده اما در الرجال نجاشی، همان کتاب از طریق ابن سماعه به حمید رسیده است (نک: نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۷۱؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۵۲). بیشتر راویان کهن مانند اسماعیل بن عمر بن ابان، طلحه بن زید، محمد بن مسلم، درست بن منصور و ... نیز در این دسته قرار می‌گیرند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۸، ۲۰۷، ۳۲۴ و ...؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۸۶، ۶۸، ۷۸ و ...).

### ۸-۳. راویان منحصر به فرد

تعداد ۱۲۹ راوی در الفهرست و ۹۹ راوی در الرجال غیرمشترک‌اند. به نظر می‌رسد علت اختلاف و تفاوت راویان دو کتاب رجالی نجاشی و طوسی در منابع متفاوتی است که استفاده کردند. برای نمونه نجاشی چندین بار ضمن ذکر طرق و اسناد، به عبارت «الفهرستات» اشاره می‌کند که نشان می‌دهد او چندین فهرست رجالی از اسامی و کتاب‌های راویان و محدثان در اختیار داشته است (برای نمونه نک: نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۵، ۴۲، ۲۴۴، ۳۰۴). برای نمونه فهرست ابن‌ولید، فهرست ابن‌بابویه (پدر صدوق)، فهرست ابن‌بطه و فهرست حمید (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۳، ۱۶۷، ۱۹۰، ۲۳۲، ۲۵۷، ۳۷۵) از جمله فهرست‌هایی هستند که نجاشی از رجال‌شناسان پیش از خود در اختیار داشته است. این در حالی است که طوسی به فهرست‌ها و منابع خود تصریح و اشاره‌ای ندارد و فقط در بیست و اندی مورد، ارجاع و استفاده از الفهرست ابن‌ندیم را ذکر کرده است (برای نمونه نک: ۱۴۱۷، ص ۱۷، ۹۰ ...). بنابراین احتمالاً متفاوت بودن منابع دو رجالی، دو فهرست متفاوت راویان را نتیجه داده است.

تفاوت دیگر تنوع طرق دو رجالی است. در الرجال نجاشی گاه حمید برای یک راوی چندین طریق می‌دهد مانند «سعید بن بیان» که از طریق سه استادش به او سند می‌دهد (نجاشی،

۱۴۰۷، ص ۱۸۰). در الفهرست نیز تعدد طرق وجود دارد؛ اما تلاش طوسی در این است که اگر جز حمید طرق دیگری (ترجیحاً امامی) وجود داشته باشد، آن را نیز ذکر کند؛ مانند کتاب اسماعیل بن جابر که علاوه بر حمید از طریق صفوان بن یحیی نیز ذکر شده است (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۵).

### ۹. حمید بن زیاد در دیگر کتاب‌های رجالی شیعه

پس از مقایسه و بررسی موشکافانه نقل‌ها و راویان حمید در دو کتاب مهم رجالی امامیه، الرجال نجاشی و الفهرست طوسی، برای روشن‌تر شدن نحوه انتقال احادیث و کتب راویان کهن توسط حمید و نیز میزان استقبال از آنها در کتاب‌های رجالی امامیه، به کتاب‌های رجالی دیگر مراجعه می‌شود.

#### ۹-۱. الرجال شیخ طوسی

پس از صفحه ۴۰۸ کتاب الرجال، باب من لم یرو عن الائمة آغاز می‌شود و شیخ طوسی از ۵۶ راوی نام می‌برد که حمید از آنها نقل کرده است. این افراد را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ گروهی که اساتید حمید بودند و در شهر «کوفه» می‌زیستند و معمولاً حمید اطلاعاتی نظیر سال وفات آنها و اینکه چه کسی بر جنازه اساتیدش نماز خواندند و کجا دفن شدند را ذکر کرده است. با توجه به این داده‌های تاریخی می‌توان گفت اساتید حمید بن زیاد، اغلب در نیمه دوم قرن سوم زیستند. برای نمونه درباره محمد بن الحسین الصائغ آمده که حمید از وی روایت نقل می‌کرد، به سال ۲۶۹ فوت کرد و جعفر بن عبدالله محمدی بر وی نماز خواند و در قبرستان جعفی دفن شد (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۴۱، ۴۰۸، ۴۳۰).

گروه دوم اساتیدی از کوفه و شهرهای دیگر مانند بصره هستند که حمید به واسطه آنها، کتاب خاص و مشهوری از محدثان قدیم کوفه را نقل کرده است. برای نمونه کتاب‌های «عبدالله بن بکیر» و «ابوحمزہ ثمالی» را حمید به واسطه این افراد نقل کرده است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۰۸؛ ۴۵۰). گروه سوم محدثان و راویان باواسطه و دو نسل قبل از حمید هستند که وی به واسطه اساتیدش به کتاب‌ها و منقولات آنها دسترسی داشته است. این افراد به طور طبیعی باید در نیمه نخست قرن سوم زیسته باشند؛ صالح الحذاء و ضحاک بن سعد واسطی از این دسته راویان کوفی‌اند که شیخ طوسی آنها را به واسطه نقل حمید از اساتیدش از این افراد معرفی کرده است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۲۸).

## جدول ۲: اساتید حمید در الرجال طوسی

دسته‌بندی اساتید	اساتید بی‌واسطه ناقل کتب خود	اساتید بی‌واسطه ناقل کتب سایرین	اساتید باواسطه
تعداد	۴۵	۲	۹

به طور کلی می‌توان گفت شیخ طوسی هنگام نگارش کتاب الرجال خود که در حقیقت کتاب طبقات اصحاب ائمه (ع) است، کتاب الرجال حمید بن زیاد را پیش روی خویش داشته است. زیرا اطلاعات دقیقی که به خصوص درباره برخی از اساتید حمید ذکر می‌کند مانند سال وفات، چگونگی وفات و پیش‌نمازی که بر جنازه نماز خوانده، نشان می‌دهد این داده‌ها از منبعی مانند نوشته‌ها و کتاب‌های حمید بن زیاد رونویسی می‌شوند. این افراد غالباً در قرن سوم می‌زیستند. افرادی که در نیمه دوم قرن سوم زندگی می‌کردند، از اساتید حمید محسوب می‌شوند و طوسی حداقل برای ده نفر آنان تاریخ وفات‌هایی در بازه زمانی سال‌های ۲۵۹ تا ۲۶۹ قمری ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۰۸، ۴۲۹، ۴۰۸ و ...). اما افرادی که به دو نسل قبل از حمید تعلق دارند و وی با واسطه اساتیدش به روایات آنها دسترسی داشته است، به ابتدای قرن سوم تعلق دارند. برای نمونه علی بن ابراهیم الخیاط در گذشته به سال ۲۰۷ است که نام حمید به عنوان راوی وی ذکر شده است؛ گرچه داوری خوبی درست می‌نماید که حمید راوی با واسطه علی بن ابراهیم خیاط بوده است؛ زیرا حمید به سال ۳۱۰ قمری در گذشته که فاصله‌ای بیش از یک قرن با استادش خواهد داشت (خویی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۳۱).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت حضور مجموعه‌ای از محدثان و راویانی که در ابتدا و انتهای قرن سوم می‌زیستند و مورد ارجاع و استفاده حمید بودند؛ و در عین حال از ائمه امامیه هم عصر خود روایتی نداشتند، نشان می‌دهد به احتمال زیاد این دسته محدثان کوفی، به مذهب امامیه باور نداشتند. زیرا از دوره امامت امام رضا (د ۲۰۴ ق) تا وفات امام حسن عسکری (ع) و شروع غیبت صغری (۲۶۰ ق) همه در قرن سوم حضور داشتند و روایت نکردن از این معصومان معاصر، محدثان فطحی، واقفی و زیدی مذهب را به ذهن متبادر می‌کند؛ چنانکه حمید خود یکی از باورمندان واقفی است.

## ۲-۹. الرجال کشی

کشی در قرن چهارم زیسته و رجال خود را نگاشته است (غلامعلی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۴). وی بیش از همه آراء و اطلاعات رجالی خود را مدیون استاد مشهورش، عیاشی (۳۲۰ ق) است (غلامعلی،



۱۳۹۳، ص ۱۸۴) که پایه‌گذار و تقویت‌کننده مدرسه حدیثی شیعه در ماوراءالنهر است. اسناد عیاشی نشان می‌دهد وی نیز مدتی در کوفه ساکن بوده است و اطلاعات و داده‌های رجالی خود را به خصوص از علی بن حسن بن علی بن فضال فراگرفته است (نک: غلامعلی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳؛ کشی، ج ۱، ص ۳۴، ۱۶۰، ۱۳۷ و...). برای نمونه از عیاشی نقل می‌شود «درباره حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی از علی بن حسن بن فضال پرسیدم» (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۶) که این سند گویای حضور عیاشی نزد ابن فضال و سماع مستقیم از وی است. این داده‌ها نشان می‌دهد اطلاعات رجالی و اسناد محدثان کوفه از مجرای ابن فضال به حدیث حوزه ماوراءالنهر و رجال کشی راه یافته است.

بنابراین می‌توان گفت به سبب هم عصری عیاشی و حمید بن زیاد، حدیث و اطلاعات رجالی کوفه توسط اساتید نسل قبل کوفی، به عیاشی و به پیرو آن شاگردش کشی رسیده است. بنابراین طبیعی است که اکنون در کتاب رجالی ابوعمرو کشی، ردپایی از طرق و اسانید یا اطلاعات رجالی کتاب‌های حمید و حتی اشاره به نام وی دیده نمی‌شود. البته در این میان جریان‌های حدیثی و اعتقادی رایج در شهر کوفه را هم باید در نظر داشت.

#### ۱۰. جریان‌های حدیثی قرن سوم در شهر کوفه

کوفه از دیرباز شهر شیعیان و معتقدان به ولایت علی (ع) بود. افزون بر آن، خیزش یا توسعه قیام‌های علویان و سادات حسنی و حسینی نیز در این شهر فراوان، رخ می‌داد. بر این اساس، فرقه‌ها و نحله‌های متفاوت فکری با محوریت شیعیان در شهر کوفه گسترده شد تا حدی که در قرن سوم همزمان چندین گروه منشعب از شیعه در آن می‌زیستند. نام محدثان زیدیه، فطحیه، واقفیه و نیز امامیه را می‌توان در منابع رجالی و اسانید کوفی به وضوح دید. خاندان بنوفضال، فطحی و تا سال‌ها بزرگ محدثان کوفه بودند و سرآمد آنان علی بن حسن بن فضال قرار داشت. به نظر می‌رسد وی هم دوره، هم عصر و حتی هم‌شاگردی حمید بن زیاد بوده است؛ زیرا اساتید و شاگردان مشترکی دارند. یکی از این اساتید مشترک حسن بن محمد بن سماعه (۲۶۳ق) است. طوسی به کتاب‌های حسن بن محمد بن سماعه، با نقل ابن فضال طریق می‌دهد (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۰۲) که اشاره شد به سبب هم مذهبی حمید و ابن سماعه و نیز تأثیر در نقل، حمید احادیث بسیاری برای نمونه در الکافی از ابن سماعه نقل کرده است.

از سوی دیگر راوی و شاگرد مشترک حمید و ابن فضال، ابن عقده (۳۳۳ق) است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۴۵۳؛ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۶۰). به نظر می‌رسد این دو محدث همشهری (حمید و ابن فضال) که دو دیدگاه اعتقادی متفاوت فطحی و واقفی داشتند، به نوعی رقیب هم بودند؛ زیرا



هیچ مرآوده و نقلی از همدیگر، میان آنها اتفاق نیفتاده است و در اسناد موجود نیست. اگر بخواهیم رویکرد محدثان امامی به این دو عالم شیعی اما فاسد المذهب را مقایسه کنیم، به اوصاف رجالی و نیز عمل و نقل محدثان دیگر باید توجه کرد.

نجاشی و طوسی، هر دو، بر فطحی بودن ابن فضال تصریح و اتفاق نظر دارند (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۵۶؛ نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۵۷)؛ با این همه با الفاظی از وثاقت و قابل اعتماد بودن ابن فضال یاد می‌کنند که نشان می‌دهد به رغم فساد مذهب به روایات و داوری‌های رجالی وی اطمینان خاطر داشتند: «کان قریب الأمر إلى أصحابنا الإمامیة القائلین بالاثني عشر» (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۵۶).

افزون بر آن، اشاره شد که عیاشی (۳۲۰ ق) بخش زیادی از اطلاعات رجالی و سند و نسخه‌شناسی خود را درباره راویان کوفی، مدیون علی بن حسن بن فضال است و با آنکه احتمالاً حمید بن زیاد را در کوفه دیده، از وی نقلی ندارد. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت میان منقولات و کتاب‌های حمید و ابن فضال، عالمان امامی به ابن فضال تمایل بیشتری داشتند؛ زیرا گرچه فطحیه در مرحله‌ای دچار فساد اعتقادی شدند؛ اما در هر حال همه دوازده امام دیگر را نیز پذیرفته بودند و به نوعی سیزده امامی محسوب می‌شدند. در حالیکه حمید و واقفیان دیگر بر امامت امام رضا (ع) توقف کردند و تنها در هفت امام با امامیه اشتراک داشتند. برای نمونه نجاشی روایات حسن بن صالح بن حی را از طریق خاندان ابن فضال طریق می‌دهد (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۵۰). حسن بن صالح بن حی از محدثان و بزرگان کوفه است که در سده دوم زیسته و روایاتش در منابع شیعه و سنی نقل شده است (برای تفصیل بیشتر درباره این روای نک: رحمان ستایش و فرجامی، ۱۳۹۰، ۵۸ و ۵۹)؛ در حالی که حمید نیز هم‌زمان با ابن فضال به راویان کوفی مسلط بوده است.

### نتایج تحقیق

در این پژوهش نقش و تاثیر حمید در منابع رجالی متقدم شیعه، با تأکید بر *الفهرست طوسی* و *الرجال نجاشی* مورد مذاقه قرار گرفت. بررسی‌های تاریخی و جغرافیایی عبارات نجاشی و طوسی درباره محل زندگی و سفرهای حمید نشان داد که وی عمدتاً اطراف شهر کوفه و گاه درون این شهر ساکن بوده است. ابتدا در منطقه سرسبز سورا که احتمالاً کدخدا و دهقان آنجا بوده، ساکن می‌شود؛ سپس به روستای نینوی نزدیک مرقد امام حسین (ع) نقل مکان می‌کند. در منطقه سورا، مضع چندین فرزند از نوادگان امام کاظم وجود داشته است؛ بنابراین سفرهای حمید انگیزه‌های مذهب واقفیه نیز داشته است.



عالمان و محدثان بزرگ بغداد و قم و کوفه در قرن چهارم فراوان از نسخه‌شناسی و منقولات حمید بهره بردند. بنابراین می‌توان گفت نقل فراوان اصول و مصنفات کهن راویان شیعی توسط حمید بن زیاد در شهر کوفه از یک سو و نقل بی‌واسطه‌ی محدثان مشهور امامی همچون کلینی و ابو غالب زراری از حمید، وی را به مهمترین حلقه‌ی اتصال محدثان کهن کوفی و متاخر بغداد و دیگر بلاد شیعی تبدیل کرده است.

اگرچه حمید، کثیرالتصانیف خوانده شده اما دو کتاب رجالی او بیش از سایر کتاب‌هایش مورد توجه عالمان متقدم امامی قرار گرفته است و در نگاشتن کتب رجالی خود از آن‌ها استفاده کرده‌اند؛ زیرا نجاشی حدود ۱۶۰ راوی، طوسی حدود ۲۰۰ راوی در الفهرست و حدود ۶۰ راوی در الرجال، ابو غالب زاری حدود ۲۰ راوی نام می‌برند که در گزارش دفاتر حدیثی آنان، به واسطه حمید طریق می‌دهند. از طرفی اطلاعات دقیق برخی راویان به نقل از حمید مانند سال وفات، مکان دفن و کسی که بر آنان نماز خوانده در این کتب، گویای در اختیار داشتن برخی کتاب‌ها از جمله کتاب الرجال حمید نزد این رجال‌شناسان امامی است.

راویان حمید در دو کتاب الرجال نجاشی و الفهرست طوسی ما را با سه گونه راوی و محدث روبرو کرد. دسته‌ی اول راویان کهن کوفی و هم‌عصر صادقین (ع) قرار دارند که حمید با سه واسطه یا بیشتر به آنان طریق می‌دهد. این نوع از گزارش حمید از دسترسی او به منابع کهن حدیثی شیعه شهر کوفه به خصوص از راویان امام صادق، نشان دارد. دسته دوم اساتید با واسطه‌ی حمیداند که او به طریق اساتیدش از آنان نقل می‌کند. حضور راویان مشهور واقفی مانند علی بن طاظری، عبدالله بن جبلة، حسین بن هاشم و برخی از اصحاب اجماع مانند ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی در این دسته چشمگیر است. اما نمونه پرروایت و قابل توجه این گروه عبیس بن هشام است که مشایخ حمید بیش از سایرین، از وی کتاب‌های راویان امام صادق را نقل کرده‌اند. دسته‌ی سوم نیز اساتید بی‌واسطه‌ی حمید قرار دارند که غالباً درباره آنها تصریح شده واقفی‌اند یا نشانه‌هایی از وقف بر امامت امام رضا در آنها دیده می‌شود. بنابراین بی‌تردید حمید بن زیاد در انتخاب اساتید و کتاب‌های حدیثی که روایت کرده، از مذهب واقفیه خود تأثیر گرفته است. اگر محتوای روایات حمید در کتاب‌های اربعه و دیگر کتب حدیثی بررسی شود، احتمال دارد که نشانه‌ها و گرایش‌های مذهب واقفیه در آنها دیده و یافته شود.

با تطبیق اسناد حمید در الفهرست طوسی و الرجال نجاشی، می‌توان گفت اسناد نجاشی کامل‌تر و دقیق‌تر از حمید است؛ زیرا طوسی در مواردی واسطه‌هایی را میان راویان و حمید برداشته است که به لحاظ تاریخی قابل قبول نیست. احتمال دارد طوسی با خلاصه کردن اسناد، این ارسال‌های سندی را رقم زده است.

با همه اوصافی که از اهمیت جایگاه حمید در انتقال میراث حدیثی محدثان کهن کوفی به نسل محدثان پسین بغدادی و دیگر بلاد شیعی ذکر شد، به نظر می‌رسد از منقولات او در مقایسه با دیگر محدثان کوفه کمتر استقبال شده است. گمان می‌رود علت این بی‌توجهی، فساد مذهب و واقفی بودن حمید باشد که در رقابت با محدثان فطحی مانند ابن فضال مغلوب شده و جریان اعتقادی شهر کوفه مانع از توسعه و رواج کتاب‌ها و احادیث حمید بن زیاد میان همه عالمان و محدثان امامی در قرن چهارم شده است. نمونه بارز آن عیاشی است که هیچ نقل رجالی یا حدیثی از حمید ندارد؛ در عوض در *الرجال* کشی، عیاشی فراوان از ابن فضال، محدث و رجالی کوفی و هم عصر حمید، نقل دارد. تاثیرپذیری و تعصب حمید بر اعتقادات واقفیه را می‌توان از علل روی‌گردانی برخی محدثان امامی از وی دانست؛ زیرا حمید برای محل زندگی نیز آبادی‌ها و مناطقی را انتخاب کرده که مجاور مضاجع و حرم امام موسی کاظم (ع) یا برخی نوادگان این ایشان باشد؛ زیرا امام هفتم شیعیان و برخی فرزندان این امام، به جز امام رضا (ع)، احتمالاً به عنوان امام پایانی، برای واقفیه اهمیت و قداست بالایی داشته است.

### کتاب‌نامه:

- آقا بزرگ تهرانی (۱۴۰۸ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالاضواء.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷ش)، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه حوزه مدرسین.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۶ق)، *لسان المیزان*، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ق)، *الرجال*، تحقیق: محمدرضا حسینی، قم: دارالحدیث.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۹ق)، *سنن ابن ماجه*، محقق: شیخا خلیل مامون، بیروت: دارالمعرفه.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰ق)، *سنن ابی داود*، محقق: عبدالخیر عبدالقادر، قاهره: دارالحدیث.
- ابو غالب زراری (۱۳۹۹ش)، *رساله فی آل اعمین*، تحقیق: سید محمدعلی موسوی ابطحی، بی‌جا: بی‌نا.
- اصطخری، أبو اسحاق ابراهیم بن محمد (۱۴۲۵ق)، *المسالک و الممالک*، بیروت: دار صادر.
- انصاری، عبد الرحمن بن عبد الکریم (۱۳۹۰ش)، *تحفه المحبین و الأصحاب فی معرفه ما للمدنیین*
- من الأنساب*، المحقق: محمد العروسی المطوی، تونس: المكتبة العتیقه.
- بحرالعلوم، سید مهدی (۱۳۶۳ش)، *الفوائد الرجالیه*، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم و حسین بحر العلوم، تهران: مکتبه الصادق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ق)، *صحیح البخاری*، مصر: إحياء كتب السنه.

- بلبلی، خدیجه (۱۳۹۸ش)، *تحلیل و تطبیق روایات مهدویت در فرقه‌های زیدیه، واقفیه و فطحیه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- جمعی از نویسندگان (۱۴۲۳ق)، *الأصول الستة عشر من الأصول الأولية*، تحقیق: ضیاء الدین محمودی، قم: دارالحدیث.
- حمادی، عبدالرضا؛ طباطبایی، محمدکاظم (۱۳۹۱ش)، «الكافی و گفتمان حدیثی قم»، *علوم حدیث*، شماره ۶۶.
- حمیری، محمد بن عبد المنعم (۱۴۰۰ق)، *الروض المعطار فی خبر الأقطار*، محقق: إحسان عباس، بیروت: مؤسسه ناصر للثقافة.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (بی تا)، *تاریخ بغداد*، بیروت: دارالکتب علمیه.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۹ق)، *معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، قم: نشر آیت الله خویی.
- رحمان ستایش، محمدکاظم؛ فرجامی، اعظم (۱۳۹۰ش)، «واکاوی مذهب و روایات «حسن بن صالح» در کتب امامیه»، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال ۵، شماره ۹.
- زرکلی، خیرالدین (۱۳۸۹ق)، *الاعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین و المستشرقین*، بیروت: دار العلم للملایین.
- سمعانی، عبدالکریم (۱۴۰۸ق)، *الانساب*، بیروت: دار الجنان.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، *معجم البحرین*، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳ش)، *الاستبصار فی ما اختلف الاخبار*، تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ش)، *تهذیب الاحکام*، تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *الامالی*، قم: دارالثقافة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، *الرجال*، تحقیق: جواد قیومی، قم: نشر فقاقت.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، تحقیق: جواد قیومی، قم: نشر فقاقت.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم: مؤسسه معارف الاسلامیه.
- غلامعلی، مهدی (۱۳۹۳ش)، *تاریخ حدیث شیعه در ماوراءالنهر و بلخ*، قم: دارالحدیث.

کحاله، عمر رضا (۱۳۹۴ق)، معجم المؤلفین: تراجم مصنفی الكتب العربیه، مکتبه المثنی، بیروت.  
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ش)، الاصول من الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، دارالکتب  
الاسلامیه، تهران.

مامقانی، عبدالله (۱۴۱۲ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.  
مروزی، اسماعیل بن حسین (۱۳۸۶ش)، الفخری فی انساب الطالبین، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی  
نجفی.

نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، الرجال، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر  
اسلامی.

نجفی، مهری (۱۳۸۸ش)، راویان واقفی مذهب در کتب اربعه و اعتبار روایات آن ها، پایان نامه  
کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه اصول دین.

نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۱ق)، سنن الکبری، محقق: عبدالغفار سلیمان البنداری، بیروت: دارالکتب  
العلمیه.

نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، الغیبه، تحقیق: فارس حسون کریم، قم: انوار الهدی.  
نمیری، ابوزید عمر بن شبه (۱۴۱۷ق)، تاریخ المدینه المنوره، تحقیق: علی محمد دندل و یاسین سعد  
الدین بیان، بیروت: دارالکتب العلمیه.

یاقوت حموی، ابو عبدالله (بی تا)، معجم البلدان، بیروت: دارالفکر.

### **Bibliography:**

- Agha Bozorg Tehrani (1408 AH), Al-Dari'ah al-Tasanif al-Shi'a, Beirut: Dar al-Azwa.
- Ibn Babawiyah, Muhammad ibn Ali (1377 AH), I do not attend the jurisprudent, correction: Ali Akbar Ghaffari, Qom: Society of Teachers.
- Ibn Hajar Asqalani, Ahmad Ibn Ali (1406 AH), Language of the Balance, Beirut: Scientific Institute.
- Ibn al-Ghazairi, Ahmad ibn Husayn (1422 AH), men, research: Mohammad Reza Hussein, Qom: Dar al-Hadith.
- Ibn Majah, Muhammad ibn Yazid (1419 AH), Sunan Ibn Majah, researcher: Sheiha Khalil Mamun, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Abu Dawud, Sulayman ibn Ash'ath (1420 AH), Sunan Abi Dawood, researcher: Abdul Khair Abdul Qadir, Cairo: Dar al-Hadith.

- Abu Ghalib Zarari (1399 AH), treatise on the family of Ain, research: Seyyed Mohammad Ali Mousavi Abtahi, place: Bina.
- Istakhri, Abu Ishaq Ibrahim bin Muhammad (1425 AH), Al-Masalak wa Al-Mamalak, Beirut: Dar Sader.
- Ansari, Abd al-Rahman bin Abd al-Karim (1390 AH), The gift of lovers and companions in the knowledge of the civilized from the genealogy, Researcher: Muhammad al-Arwaisi al-Mutawi, Tunisia
- Bahr al-Ulum, Sayyid Mahdi (1363 AH), The Benefits of Men, Research: Mohammad Sadegh Bahr al-Ulum and Hussein Bahr al-Ulum, Tehran: Sadiq Library.
- Bukhari, Muhammad ibn Ismail (1410 AH), Sahih Bukhari, Egypt: Revival of Sunni books.
- Bulbali, Khadijeh (1398 AH), Analysis and Application of Mahdism Traditions in Zaydi, Waqfiya and Fathiyeh Sects, M.Sc. Thesis, Kermanshah: Razi University.
- A group of writers (1423 AH), the ten principles of the first principles, research: Zia-ud-Din Mahmoudi, Qom: Dar al-Hadith.
- Hamadi, Abdul Reza; Tabatabai, Mohammad Kazem (2012), "Al-Kafi and the Hadith Discourse of Qom", Hadith Sciences, No. 66.
- Humairi, Muhammad ibn Abd al-Mu'inim (1400 AH), Al-Rawd al-Mu'tar in Khabar al-Aqtar, researcher: Ehsan Abbas, Beirut: Nasser Foundation for Culture.
- Khatib Baghdadi, Ahmad Ibn Ali (Bita), History of Baghdad, Beirut: Dar al-Kitab al-Aliyah.
- Khoei, Sayyid Abu al-Qasim (1409 AH), Dictionary of Hadith Men and Details of the Classes of Narration, Qom: Published by Ayatollah Khoei.
- Rahman Satayesh, Mohammad Kazem; Farjami, Azam (2011), "Analysis of the religion and narrations of Hassan Ibn Saleh in the books of the Imams", Quran and Hadith Studies, Volume 5, Number 9.
- Zarkali, Khair al-Din (1389 AH), Al-Alam Dictionary Dictionary translated by Lashhar Al-Rijal and women from Arabs, Orientalists and Orientalists, Beirut: Dar Al-Alam for Muslims.
- Samani, Abdul Karim (1408 AH), Al-Ansab, Beirut: Dar Al-Jannan.
- Tarihi, Fakhruddin (1375 AH), Bahrain Complex, Research: Seyyed Ahmad Hosseini, Tehran: Mortazavi Bookstore.
- Tusi, Mohammad Ibn Hassan (1363 AH), Insight in the Disruption of News, Research: Seyyed Hassan Mousavi Khorsan, Tehran: Islamic Library.
- Tusi, Mohammad Ibn Hassan (1986), Tahdhib al-Ahkam, research: Seyyed Hassan Mousavi Khorsan, Tehran: Islamic Library.
- Tusi, Muhammad ibn Hassan (1414 AH), Al-Amali, Qom: Dar al-Thaqafa.

- Tusi, Muhammad ibn Hassan (1415 AH), men, research: Javad Qayyumi, Qom: publishing jurisprudence.
- Tusi, Muhammad ibn Hassan (1417 AH), index, research: Javad Qayyumi, Qom: publication of jurisprudence.
- Tusi, Muhammad ibn Hassan (1411 AH), Al-Ghaybah, Qom: Institute of Islamic Studies.
- Gholam Ali, Mehdi (2014), History of Shiite Hadith in Transoxiana and Balkh, Qom: Dar al-Hadith.
- Kahala, Omar Reza (1394 AH), Dictionary of Authors: Translation of the author of the Arabic books, Muthanna Library, Beirut.
- Klini, Mohammad Ibn Yaqub (2009), Al-Osul Min Al-Kafi, edited by Ali Akbar Ghaffari, Islamic Library, Tehran.
- Mamqani, Abdullah (1412 AH), revision of the article in the science of men, Qom: Al-Bayt (AS) Institute for the Revival of Heritage.
- Morozi, Ismail Ibn Hussein (2007), Al-Fakhri Fi Ansab Al-Talebeen, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library.
- Najashi, Ahmad Ibn Ali (1407 AH), Men, Research: Sayyid Musa Shubiri Zanjani, Qom: Islamic Publishing Institute.
- Najafi, Mehri (2009), Waqf narrators of religion in Arba'a books and the validity of their narrations, M.Sc. Thesis, Qom: University of Principles of Religion.
- Nisa'i, Ahmad ibn Ali (1411 AH), Sunan al-Kubra, researcher: Abdul Ghafar Suleiman al-Bandari, Beirut: Dar al-Kitab al-Almiya.
- Nu'mani, Muhammad ibn Ibrahim (1422 AH), Al-Ghaybah, research: Fars Hassoun Karim, Qom: Anwar al-Huda.
- Namiri, Abu Zayd Umar ibn Shabbah (1417 AH), History of the Enlightened City, research: Ali Muhammad Dandal and Yasin Saad al-Din Bayan, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya.
- Yaqut Hamwi, Abu Abdullah (Bita), Dictionary of Countries, Beirut: Dar al-Fikr.